

The Role of the Spiritual–Religious Approach in Psychological Well-Being and Metacognitive Beliefs of Chaste Lifestyle Among Divorced Women

Rashin Abdollahi¹, Tahereh Nouri^{2*}

¹ Department of Psychology, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran

² Resources and Organization Group, Research Institute for Police Science and Social Studies, Tehran, Iran

Abstract

Background and Aim: Given the psychological consequences of divorce and the importance of promoting mental health among divorced women, the present study aimed to examine the effectiveness of spiritual–religious training on psychological well-being and metacognitive beliefs related to a chaste lifestyle in divorced women.

Methods: This applied study employed a quasi-experimental design with pre-test and post-test and a control group. The statistical population included all divorced women referred to counseling centers in districts 10 and 11 of Tehran. A total of 30 participants were selected through purposive sampling and randomly assigned to experimental and control groups. Data collection tools included Ryff's Psychological Well-Being Scale (2006) and Wells' Metacognition Questionnaire (MCQ-30). The experimental group received 11 sessions of spiritual–religious training, while the control group received no intervention. Data were analyzed using descriptive statistics and multivariate analysis of covariance (MANCOVA).

Results: Results indicated that the spiritual–religious approach led to a statistically significant increase ($P < 0.01$) in psychological well-being and metacognitive beliefs scores in the experimental group compared to the control group.

Conclusion: Considering the effectiveness of the spiritual–religious intervention in improving psychological indicators among divorced women, the use of this approach in counseling and psychotherapy programs for this population is recommended.

Keywords: Spiritual–Religious Approach, Psychological Well-Being, Metacognitive Beliefs, Chaste Lifestyle, Divorced Women.

*Corresponding author: Tahereh Nouri, Email: nori.t1363@gmail.com

Received: 22 February 2026 Accepted: 16 April 2026

نقش رویکرد معنوی- مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی سبک زندگی عقیفانه زنان مطلقه

راشن عبداللهی^۱، طاهره نوری^{۲*}

^۱ گروه روانشناسی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران

^۲ گروه منابع و سازمان، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به پیامدهای روان‌شناختی طلاق و اهمیت ارتقای سلامت روان زنان مطلقه، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش رویکرد معنوی- مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی مرتبط با سبک زندگی عقیفانه زنان مطلقه انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه از نوع کاربردی و با روش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون همراه با گروه کنترل اجرا شد. جامعه آماری شامل کلیه زنان مطلقه مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره مناطق ۱۰ و ۱۱ شهر تهران بود. از میان آن‌ها، ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۲۰۰۶) و پرسشنامه باورهای فراشناختی ولز (MCQ-30) بودند. گروه آزمایش طی ۱۱ جلسه تحت آموزش رویکرد معنوی- مذهبی قرار گرفت و گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس چندمتغیری (MANCOVA) تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش رویکرد معنوی- مذهبی منجر به افزایش معنادار در نمرات بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شد ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اثربخشی مداخله معنوی- مذهبی در بهبود شاخص‌های روان‌شناختی زنان مطلقه، به‌کارگیری این رویکرد در برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌درمانی برای این گروه از جامعه توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رویکرد معنوی- مذهبی، بهزیستی روان‌شناختی، باورهای فراشناختی، سبک زندگی، زنان مطلقه.

مقدمه

یکی از آسیب‌هایی که ممکن است برای خانواده‌های متعارض پیش آید، طلاق است که مهم‌ترین و جدی‌ترین معضل اجتماعی و یک بحران عاطفی است که پیامدهای ناگواری را به بار می‌آورد (۱). خانواده کانونی است که بذر هویت، فرهنگ و شخصیت هر فرد در آن پایه‌ریزی می‌شود و هر گونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان‌های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت (۲). در سال‌های اخیر، افزایش نرخ طلاق در ایران به یکی از چالش‌های مهم اجتماعی تبدیل شده است. طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۴۰۲ از هر ۱۰۰ ازدواج، حدود ۴۲ مورد به طلاق انجامیده است، که این نسبت در تهران به بیش از ۵۲ درصد رسیده است. این آمار نشان‌دهنده رشد نگران‌کننده طلاق در کشور است، هرچند ایران در رتبه‌بندی جهانی جزو ۱۰ یا حتی ۲۰ کشور اول از نظر نرخ طلاق قرار ندارد (۳). با این حال، روند صعودی طلاق در ایران پیامدهای گسترده‌ای بر ساختار خانواده، سلامت روانی افراد و به‌ویژه زنان مطلقه دارد. طلاق به‌عنوان انحلال رابطه همسری در ازدواج دائم تعریف می‌شود که پس از آن، هیچ مسئولیتی از نظر رعایت حقوق و وظایف زناشویی برای دو همسر وجود نخواهد داشت (۴). این پدیده اجتماعی، بنیان خانواده را متزلزل کرده و آثار مخربی بر فرزندان و سلامت روانی والدین، به‌ویژه مادران، برجای می‌گذارد (۵). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که طلاق با کاهش چشمگیر بهزیستی روان‌شناختی افراد همراه است (۷). بهزیستی روان‌شناختی به احساس فرد نسبت به خود، رضایت از زندگی، و قضاوت درباره کیفیت زندگی اشاره دارد (۸). این مفهوم شامل هفت قلمرو اصلی است: استانداردهای زندگی، سلامت، موفقیت، نسبت‌های خانوادگی، تعاملات اجتماعی، امنیت آینده و رضایت کلی از زندگی (۹). افراد دارای بهزیستی روان‌شناختی بالا، روابط سالم‌تری دارند، خوش‌بین‌ترند و در مواجهه با مشکلات زندگی، عملکرد بهتری نشان می‌دهند (۱۰). در این میان، باورهای فراشناختی به مجموعه‌ای از باورها درباره فرایندهای ذهنی خود فرد اشاره دارد؛ یعنی اینکه فرد چگونه درباره افکار، احساسات و سبک زندگی‌اش فکر می‌کند. این باورها نقش مهمی در تنظیم هیجانات، مقابله با استرس و سازگاری با تغییرات زندگی دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طلاق می‌تواند این باورها را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد و سبک زندگی فرد را دچار تغییرات بنیادین کند (۱۱، ۱۲). در کنار این تحولات، گرایش به معنویت و باورهای مذهبی در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از پاسخ‌های فرهنگی به بحران‌های روانی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (۱۳، ۱۴). معنویت می‌تواند به افراد در یافتن معنا، امید، بخشش و آرامش کمک کند و نقش مؤثری در ارتقای سلامت روانی ایفا نماید (۱۵-۱۷). با وجود مطالعات متعدد در زمینه طلاق و سلامت روان، پژوهشی جامع درباره نقش رویکرد معنوی-مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی سبک

زندگی عقیقانه زنان مطلقه یافت نشده است. این خلأ پژوهشی در شرایطی که سلامت زنان مطلقه به‌عنوان یک نگرانی روبه‌رشد مطرح است، نیازمند بررسی جدی و علمی است. هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش رویکرد معنوی-مذهبی بر ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی زنان مطلقه است تا از یک سو کاستی‌های مطالعات پیشین را جبران کند و از سوی دیگر، راهکارهایی عملی برای بهبود سبک زندگی عقیقانه این گروه از جامعه ارائه دهد و به دنبال پاسخ به این سوال می‌باشد که آیا آموزش رویکرد معنوی-مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی زنان مطلقه مؤثر است؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد و از نظر روش اجرا، در قالب یک مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل انجام شده است. جامعه آماری شامل تمامی زنان مطلقه مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۱۰ و ۱۱ تهران بود. ۳۰ زن مطلقه به صورت غیر تصادفی هدفمند انتخاب و با گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. ملاک ورود به پژوهش زنان مطلقه، سن بین ۲۲ تا ۴۵ سال، داشتن سلامت روانپزشکی، عدم مصرف داروهای روانپزشکی، داشتن سواد حداقل و رضایت به شرکت در پژوهش و معیارهای خروج؛ غیبت بیش از سه جلسه، شرکت همزمان در برنامه‌های مداخلاتی دیگر و عدم تمایل به همکاری، در نظر گرفته شد. در جمع‌آوری پیش‌آزمون از زنان مطلقه‌ای که ملاک ورودی به پژوهش را داشتند، خواسته شد تا به پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و باورهای فراشناختی ولز پاسخ دهند. سپس به گروه آزمایشی طی ۶ هفته، ۱۲ جلسه آموزش گروهی رویکرد معنوی-مذهبی ارائه گردید. از گروه آزمایشی در پایان جلسات پس‌آزمون گرفته شد. شایان ذکر است در گروه گواه، هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت و صرفاً از آن‌ها پیش‌آزمون و پس‌آزمون گرفته شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (فرم ۱۸ سوالی):

این مقیاس توسط ریف (۱۹۸۹) طراحی و در سال ۲۰۰۲ بازنگری شده است. ابزار مذکور شامل ۱۸ گویه در شش خرده‌مقیاس (خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود و روابط مثبت با دیگران) است که بر اساس طیف لیکرت شش‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شود (۱۸). در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه باورهای فراشناختی ولز (MCQ-30):

این پرسشنامه توسط ولز و همکاران برای سنجش باورهای فراشناختی در پنج خرده‌مقیاس طراحی شده است: باورهای مثبت

اسلامی است که تأثیر مؤلفه‌هایی چون امید، بخشش، توکل، معناجویی و ارتباط با خداوند را در بهبود سلامت روانی افراد نشان داده‌اند. ساختار جلسات این بسته با بهره‌گیری از چارچوب پیشنهادی لطفی کاشانی و همکاران (۲۰) تنظیم شده است که در آن اصول روان‌درمانی اسلامی با رویکردی کاربردی و مرحله‌مند ارائه گردیده‌اند. این بسته شامل مجموعه‌ای از جلسات آموزشی است که هر یک به یکی از ابعاد معنوی و روان‌شناختی مرتبط با سبک زندگی عقیقانه و سازگاری پس از طلاق می‌پردازد. خلاصه جلسات بسته آموزشی رویکرد معنوی- مذهبی به شرح جدول ۱ است.

جدول-۱. مداخله روان‌درمانی معنوی- مذهبی با رویکرد آموزه‌های اسلام (۲۰)

موضوع جلسه	روش
جلسه اول	آشنایی اعضا با یکدیگر، اطلاعات از دلایل تشکیل گروه و آشنایی با قوانین گروه، جلب اعتماد و همکاری هر یک از آن‌ها؛ اجرای پیش‌آزمون
جلسه دوم	آگاهی از معنای ضمنی و شخصی معنویت و تعریف آن از نظر هر یک از اعضا؛ بررسی وجود اعتقاد به نیروی برتر و مقدس‌تر اعضا
جلسه سوم	آشنایی با مفهوم کیفیت زندگی پذیرش الوهیت الهی، بیان آثار و پیامدهای داشتن گرایش ایمانی در زندگی
جلسه چهارم	آشنایی با مفهوم خودشناسی، شناخت ماهیت خود، توانمندی‌ها و محدودیت پذیرش ضعف‌های خویش و پذیرش مسئولیت الهی خود
جلسه پنجم	آشنایی با مفهوم تاب‌آوری؛ بیان نقش توکل و اعتماد به خداوند در برابر سختی‌ها؛ بیان احادیث و روایات مبتنی بر نقش اعتماد به خداوند در آرامش روان؛ بیان مصداق‌های از نقش توکل به خداوند در کارهای روزمره و بررسی آثار آن با استناد به آیات قرآنی
جلسه ششم	تبیین تعریف مفهومی و تحلیلی ذکر؛ بیان نقش ذکر و عبادت در آرامش روان؛ بحث درباره مثبت‌نگری و خوش‌بینی در زندگی، زدودن افکار منفی و جایگزینی افکار مثبت با استناد به آیه‌های قرآن کریم و احادیث
جلسه هفتم	نقش رضا به قضا و قدر الهی در زندگی؛ بحث درباره منافات نداشتن رضا با دعا و تلاش و کوشش؛ آموزش راه دستیابی به مقام رضا با توجه به آیات قرآن و احادیث
جلسه هشتم	آزادسازی احساسات و بیان احساسات و هیجانات ناشی از اعمال معنوی مشترک و تأکید بر احساس اعضا
جلسه نهم	شکرگزاری به درگاه خدا
جلسه دهم	توانمند و مقتدر شدن برای حل مشکلات خود و دیگران، تعمیم به سایر امور زندگی با توکل به خدا و تأمل و به کارگیری آیات قرآن و احادیث
جلسه یازدهم	جمع‌بندی؛ مرور جلسات و تمرینات
جلسه دوازدهم	اجرای پس‌آزمون

شیوه اجرا

روند اجرای پژوهش به این شکل بود که پس از گمارش تصادفی شرکت‌کنندگان به دو گروه آزمایش و کنترل، با استفاده از پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و باورهای فراشناختی پیش‌آزمون اجرا شد. سپس گروه آزمایش آموزش رویکرد معنوی- مذهبی طی ۱۲ جلسه یک ساعت و نیم به صورت هر هفته دو جلسه در مدت ۶ هفته تحت آموزش قرار گرفتند و گروه کنترل در این مدت هیچ گونه آموزشی دریافت ننمود. پس از پایان جلسات آموزشی، هر دو گروه در مرحله پس‌آزمون به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. در تحلیل آماری داده‌ها در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از تحلیل واریانس

تک متغیره پس از رعایت پیش فرض نرمالیتی و برابری واریانس‌ها استفاده شد؛ داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شد.

نتایج

در مجموع ۳۰ نفر از زنان مطلقه در دو گروه آزمایش و گواه مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در گروه مداخله ۳۰ سال و در گروه کنترل ۳۲ سال بود. به منظور بررسی اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر رویکرد معنوی- مذهبی بر بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی زنان مطلقه، ابتدا میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل محاسبه شد. نتایج توصیفی در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول-۲. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	متغیر	پیش‌آزمون (M±SD)	پس‌آزمون (M±SD)
کنترل	بهزیستی روانشناختی	۴۹/۵۳± ۵/۱۸	۴۸/۹۳± ۷/۹۱
	باورهای فراشناختی	۶۴/۳۹± ۶/۲۸	۶۴/۹۱± ۵/۱۳
آزمایش	بهزیستی روانشناختی	۴۹/۸۰± ۱۴/۸۵	۶۸/۴۰± ۸/۹۳
	باورهای فراشناختی	۶۷/۲۴± ۶/۵۲	۷۸/۶۰± ۷/۹۹

فراشناختی تفاوت معناداری وجود دارد. به طور مشخص:

• برای بهزیستی روان شناختی
 $P < 0.01, F(17,6) = 4.084, \text{Wilks' Lambda} = 0.410$

• برای باورهای فراشناختی
 $P < 0.01, F(5,19) = 6.774, \text{Wilks' Lambda} = 0.359$

به منظور بررسی دقیق تر تفاوت ها در مؤلفه های هر متغیر، تحلیل کواریانس تک متغیری (ANCOVA) انجام شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است و نشان می دهد که تفاوت های مشاهده شده در سطح مؤلفه ها نیز معنادار بوده اند.

برای تحلیل تفاوت بین گروه ها، از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری (MANCOVA) استفاده شد. پیش از اجرای آزمون، پیش فرض های لازم مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک نشان دهنده نرمال بودن توزیع نرمات بود. همچنین، همگنی شیب های رگرسیون، همگنی واریانس ها (آزمون لوین)، برابری ماتریس های کواریانس (آزمون باکس) و کرویت متغیرها (آزمون بارتلت) تأیید شدند. بنابراین، شرایط لازم برای اجرای آزمون برقرار بود. یافته های آزمون MANCOVA نشان داد که بین گروه های آزمایش و کنترل در متغیرهای بهزیستی روان شناختی و باورهای

جدول-۳. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری برای مؤلفه های بهزیستی روان شناختی و باورهای فراشناختی

متغیر	F	P	اندازه اثر (η^2)
پذیرش خود	۹/۲۴۹	۰/۰۲۰	۰/۲۲۱
روابط مثبت با دیگران	۷/۸۱۴	۰/۰۱۱	۰/۲۶۲
خودمختاری	۱۳/۶۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸۲
تسلط بر محیط	۱۱/۵۷۹	۰/۰۰۳	۰/۳۴۵
زندگی هدفمند	۶/۷۸۰	۰/۰۱۶	۰/۲۳۶
رشد فردی	۱۳/۲۶۷	۰/۰۰۱	۰/۳۷۶
اعتماد شناختی	۸/۳۳۴	۰/۰۰۸	۰/۲۶۶
باورهای مثبت درباره نگرانی	۵/۵۹۶	۰/۰۲۳	۰/۲۰۶
خودآگاهی شناختی	۷/۱۴۴	۰/۰۱۴	۰/۲۳۷
کنترل ناپذیری افکار	۱۳/۰۵۴	۰/۰۰۱	۰/۳۶۲
نیاز به کنترل افکار	۶/۶۹۸	۰/۰۱۶	۰/۲۲۶

بیشترین اندازه اثر را داشته اند. این یافته ها حاکی از آن است که آموزش معنوی- مذهبی نه تنها به کاهش پیامدهای منفی طلاق کمک می کند، بلکه با افزایش احساس کنترل درونی و خودکارآمدی، زمینه رشد و تحول فردی را نیز فراهم می سازد. از منظر نظری، این نتایج با الگوی بهزیستی روان شناختی ریف همخوانی دارد که بر نقش معنا، رشد و خودپذیری در سلامت روان تأکید می کند. در خصوص بهبود باورهای فراشناختی، نتایج نشان داد که مداخله مورد نظر توانسته است به طور معناداری مؤلفه هایی نظیر اعتماد شناختی، کنترل ناپذیری افکار و نیاز به کنترل افکار را بهبود بخشد. به نظر می رسد آموزش های معنوی- مذهبی از طریق تأکید بر توکل، صبر، پذیرش و واگذاری امور به قدرتی متعالی، نگرش افراد نسبت به افکار مزاحم و نگرانی ها را تعدیل می کند. این امر می تواند به کاهش نشخوار فکری و افزایش انعطاف پذیری شناختی منجر شود؛ سازوکاری که در نظریه های فراشناختی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در کاهش آسیب های روان شناختی مطرح شده است. یافته های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین همسو است. از جمله پژوهش (۱۷،۱۲) نشان داد که تجربه های مرتبط با معنویت و باورهای دینی می توانند نقش محافظتی در برابر اختلالات روانی، به ویژه در زنان، ایفا کنند. همچنین پژوهش های دیگر نیز بیانگر آن هستند که مداخلات مبتنی بر معنویت با کاهش استرس ادراک شده، افزایش تاب آوری و ارتقای احساس امید، به

یافته ها نشان می دهند که آموزش گروهی مبتنی بر رویکرد معنوی- مذهبی تأثیر معنی داری بر افزایش بهزیستی روان شناختی و بهبود باورهای فراشناختی زنان مطلقه داشته است. اندازه اثر در مؤلفه های مختلف نیز نشانگر تأثیر قابل توجه مداخله آموزشی بر متغیرهای روان شناختی مورد بررسی است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر رویکرد معنوی- مذهبی بر بهزیستی روان شناختی و باورهای فراشناختی زنان مطلقه انجام شد. یافته های به دست آمده نشان داد که این مداخله آموزشی توانسته است به طور معناداری موجب افزایش بهزیستی روان شناختی و بهبود باورهای فراشناختی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شود. این نتایج بیانگر آن است که مداخلات مبتنی بر معنویت و مذهب می توانند به عنوان رویکردی مؤثر در ارتقای سلامت روان زنان مطلقه مورد توجه قرار گیرند. در تبیین افزایش بهزیستی روان شناختی، می توان گفت رویکرد معنوی- مذهبی از طریق تقویت معنا و هدف در زندگی، پذیرش خود و ایجاد نگرش مثبت نسبت به تجربه های زیسته، نقش مهمی در بازسازی روان شناختی افراد ایفا می کند. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری نشان داد که مؤلفه هایی مانند خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد فردی و زندگی هدفمند

رویکرد معنوی- مذهبی می‌تواند به عنوان یک شیوه آموزشی مؤثر در پیشگیری از مشکلات روانی زنان مطلقه مورد استفاده قرار گیرد و نقش مهمی در ارتقاء سلامت روانی و کاهش هزینه‌های درمانی ایفا کند. با این حال، برای تعمیم نتایج به سایر گروه‌های جامعه، باید احتیاط لازم صورت گیرد؛ زیرا نمونه پژوهش محدود به زنان مطلقه بوده و سنجش متغیرها به صورت ذهنی انجام شده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری با نمونه‌های متنوع‌تری از جمله مردان مطلقه، نوجوانان و بزرگسالان انجام شود. همچنین، توصیه می‌گردد روانشناسان و مشاوران از آموزش رویکرد معنوی- مذهبی برای ارتقاء بهزیستی روان‌شناختی و باورهای فراشناختی سبک زندگی عقیفانه بهره‌گیرند.

تشکر و قدردانی: بدینوسیله نویسندگان از همراهی ارزشمند همه عزیزانی که در اجرای این تحقیق نقش داشتند، صمیمانه قدردانی می‌نمایند.

تضاد منافع: نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

- Hayati M, Soleymani S. The consequences of divorce for the divorced Person: A qualitative study. *Rooyesh*. 2019;7(11):273-88.
- Taghavi Dinani P, Bagheri F, Khalatbari J. Modeling of predisposing factors of divorce in cultural and social condition of tehran. *Journal of Psychological Science*. 2020;19(93):1163-74.
- Statistical Center of Iran. Marriage and divorce statistics in 2023. Tehran: Statistical Center of Iran; 2023. Available from: <https://www.amar.org.ir>
- Ahadi H, Abdollahi A, Tajeri B, HajiAlizadeh K. Developing a conceptual model of the factors forming divorce in the first five years of life: a grounded theory study. *Journal of Psychological Science*. 2021;20(97):1-11.
- Fisher B, Alberti R. Reconstruction of life after divorce. Karami A, translator. Tehran: Saber Publications; 2018.
- Tao HL. Marriage and happiness: evidence from Taiwan. *Journal of Happiness Studies*. 2018;20(8):1843-61.
- Guma J, Cámara AD, Treviño R. The relationship between health and partnership history in adulthood: insights through retrospective information from Europeans aged 50 and over. *European Journal of Ageing*. 2015;12(1):71-9.
- Renner LM, Hartley CC. Psychological well-being among women who experienced intimate partner violence and received civil legal services. *Journal of Interpersonal Violence*. 2021;36(7-8):3688-709.
- Allahverdipour H, Karimzadeh Z, Alizadeh N,

بهبود سلامت روان کمک می‌کنند. در همین راستا، تأکید باورهای دینی بر صبر، خویشتنداری و پذیرش شرایط، می‌تواند به‌عنوان چارچوبی شناختی- هیجانی عمل کند که افراد را در مواجهه با بحران‌هایی نظیر طلاق توانمند می‌سازد. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به‌کارگیری آموزش‌های گروهی مبتنی بر رویکرد معنوی- مذهبی می‌تواند به‌عنوان مداخله‌ای مکمل و فرهنگ‌محور در مراکز مشاوره و روان‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد با تمرکز بر منابع درونی قدرت، به جای تمرکز صرف بر آسیب‌ها، مسیر توانمندسازی روان‌شناختی را هموار می‌سازد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش گروهی مبتنی بر رویکرد معنوی- مذهبی نه تنها موجب ارتقای بهزیستی روان‌شناختی زنان مطلقه می‌شود، بلکه با اصلاح باورهای فراشناختی ناکارآمد، زمینه سازگاری روانی و بازسازی زندگی پس از طلاق را فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با نمونه‌های بزرگ‌تر و پیگیری‌های طولی، پایداری اثرات این مداخله را در بلندمدت مورد بررسی قرار دهند.

نتیجه‌گیری

- Asghari Jafarabadi M, Javadivala Z. Psychological well-being and happiness among middle-aged women: a cross-sectional study. *Health Care for Women International*. 2021;42(1):28-42.
- Ratner I, Sirota I, Mark A. Chirality on surfaces: modeling and behaviour. *Chemistry Today: Chimica Oggi*. 2007;25(4):118.
- Carr D, Boerner K. Do spousal discrepancies in marital quality assessments affect psychological adjustment to widowhood?. *Journal of Marriage and Family*. 2009;71(3):495-509.
- Ruiz-Párraga GT, Serrano-Ibáñez ER, Gómez-Pérez L, Ramírez-Maestre C, Esteve R, López-Martínez AE. The relevance of psychological strength for physical and psychological well-being in trauma-exposed women. *Scandinavian Journal of Psychology*. 2021;62(3):386-92.
- Abdel-Halim RE, AlKattan KM. Introducing medical humanities in the medical curriculum in Saudi Arabia: A pedagogical experiment. *Urology Annals*. 2012;4(2):73-9.
- Amani R. Comparison of marital conflict in the structure of power distribution in the family. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*. 2015;10(15):41-52.
- Khosravani V, Bastan FS, Ardestani MS, Ardakani RJ. Early maladaptive schemas and suicidal risk in an Iranian sample of patients with obsessive-compulsive disorder. *Psychiatry Research*. 2017;255:441-8.
- Videler AC, van Alphen SP, van Royen RJ, van der Feltz-Cornelis CM, Rossi G, Arntz A. Schema therapy for personality disorders in older adults: a

multiple-baseline study. *Aging & Mental Health*. 2018;22(6):738-47.

17. Schaan VK, Schulz A, Schächinger H, Vögele C. Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of Affective Disorders*. 2019;257:91-9.

18. Ryff CD, Singer BH. Best news yet on the six-factor model of well-being. *Social Science Research*. 2006;35(4):1103-19.

19. Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of the metacognitions questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behaviour Research and Therapy*. 2004;42(4):385-96.

20. Yaghubi H, Sohrabi F, Mohammadzadeh A. The comparison of cognitive behavior therapy and Islamic based spiritual religion psychotherapy on reducing of student's overt anxiety. *Behavioral Sciences Research*. 2012;10(2):1-14.